

چالش‌ها و فرصت‌های برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش ایران در عصر دیجیتال

ربابه اسدی موحد

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی درسی دانشگاه پیام نور مرکز مشهد

چکیده

نظام آموزشی ایران در دهه‌های اخیر با تحولات گسترده فناوری روبرو شده و این تغییرات سریع نیازمند بازنگری اساسی در ساختار آموزشی و محتوای کتب درسی است. هدف اصلی از انجام این مطالعه بررسی دقیق چالش‌ها و فرصت‌های برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش ایران در عصر دیجیتال می‌باشد. ورود فناوری‌های نوین به عرصه آموزش تغییرات شگرفی در نحوه یادگیری دانش‌آموزان و روش‌های تدریس معلمان ایجاد کرده و این امر ضرورت تدوین برنامه‌های جامع و منعطف را دوچندان می‌سازد. از یک سو دسترسی سریع به منابع اطلاعاتی نامحدود و امکان شخصی‌سازی مسیر آموزش از مهمترین فرصت‌های این دوران به شمار می‌آید. از سوی دیگر ضعف چشمگیر زیرساخت‌های فناوری و فقدان سواد رسانه‌ای کافی در میان معلمان و دانش‌آموزان موانع جدی بر سر راه اجرای موفقیت‌آمیز این برنامه‌های نوین ایجاد کرده است. در این راستا سیاست‌گذاران آموزشی باید با اتخاذ رویکردهای نوآورانه و مبتنی بر تفاوت‌های فردی به سمت طراحی الگوهای منعطف و پویاتر حرکت کنند. آموزش مجازی و یادگیری ترکیبی به عنوان دستاوردهای بی‌بدیل این عصر می‌توانند به کاهش چشمگیر نابرابری‌های آموزشی کمک کنند اما این امر نیازمند سرمایه‌گذاری کلان در بخش توسعه زیرساخت و توانمندسازی مداوم نیروی انسانی است. نتایج این بررسی علمی نشان می‌دهد که بدون توجه به تنوع فرهنگی و نیازهای بومی مناطق مختلف کشور اجرای یکپارچه و متمرکز برنامه‌های نوین با شکست حتمی مواجه خواهد شد. بنابراین تدوین یک نقشه راه استراتژیک که تمامی ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را به طور کامل پوشش دهد برای موفقیت در این مسیر طولانی کاملاً ضروری و غیرقابل انکار تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی درسی، نظام آموزشی، عصر دیجیتال، فناوری آموزشی، تنوع فرهنگی.

مقدمه

نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از کلیدی ترین نهادهای اجتماعی نقش بسیار حیاتی و تعیین کننده ای در تربیت نسل های آینده و توسعه پایدار جوامع انسانی ایفا می کند و این نقش در عصر حاضر با پیچیدگی های بیشتری همراه شده است. با ظهور فناوری های نوین و تغییرات سریع و شتابان در نحوه دسترسی به اطلاعات ساختارهای سنتی آموزش دیگر پاسخگوی نیازهای متنوع و فزاینده دانش آموزان نیستند و این ساختارها باید به سمت تحولات بنیادین حرکت کنند. در این میان برنامه ریزی درسی به عنوان قلب تپنده و موتور محرک نظام آموزشی وظیفه دارد تا با درک صحیح از شرایط موجود محتوایی متناسب با اقتضات زمانی و مکانی برای یادگیرندگان فراهم آورد (غیائی و محسن نژاد، ۱۴۰۴). ورود فراگیر به عصر دیجیتال تنها به معنای استفاده ابزاری از تجهیزات الکترونیکی در کلاس درس نیست بلکه نیازمند یک تغییر پارادایم اساسی در نحوه نگاه به مقوله یادگیری و تولید دانش در محیط آموزشی است. بسیاری از محققان و اندیشمندان این حوزه معتقدند که برنامه های فعلی در ایران همچنان بر مبانی سنتی و حفظیات استوار بوده و نتوانسته اند همگام با تحولات جهانی پیش بروند و این امر شکاف عمیقی میان مهارت های آموزش داده شده و نیازهای واقعی ایجاد کرده است (شریفی، ۱۳۹۳). بنابراین بازنگری و اصلاح مداوم این برنامه ها به منظور همگام سازی با استانداردهای معتبر بین المللی و در عین حال حفظ ارزش های اصیل فرهنگی یک ضرورت اجتناب ناپذیر به شمار می آید.

فرایند برنامه ریزی و طراحی رویکردهای آموزشی در کشور ما همواره با چالش های ساختاری و اجرایی متعددی روبرو بوده که این موانع سرعت انطباق پذیری نظام آموزشی را با تغییرات شتابان جهانی به شدت کاهش داده است. یکی از مهمترین و بارزترین این چالش ها تمرکزگرایی شدید در تصمیم گیری های کلان آموزشی و تدوین محتوای کتب درسی است که انعطاف پذیری لازم را برای پاسخگویی به نیازهای محلی از بین می برد (شهامی خرمی، ۱۴۰۴). هنگامی که یک برنامه واحد و غیرمنعطف برای تمامی مناطق کشور با تنوع جغرافیایی گسترده تجویز می شود بدیهی است که بخش قابل توجهی از دانش آموزان نمی توانند ارتباط معناداری با مفاهیم آن برقرار کنند (خوراسگانی و مرادخواه، ۱۴۰۴). علاوه بر این موضوع فقدان زیرساخت های فیزیکی و فناوریانه مناسب در بسیاری از مدارس به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته اجرای الگوهای نوین آموزشی را با مشکلات جدی و موانع اساسی روبرو ساخته است (سراجی و همکاران، ۲۰۲۰). معلمان نیز به عنوان مجریان اصلی و میدانی این برنامه ها اغلب از آموزش های ضمن خدمت کارآمد و متناسب با نیازهای عصر جدید بی بهره بوده و آمادگی و مهارت لازم را برای استفاده از روش های نوین تدریس ندارند (ثابت و همکاران، ۱۴۰۳). از سوی دیگر نادیده گرفتن جایگاه اقشار مختلف و اقوام در محتوای آموزشی باعث کاهش انگیزه تحصیلی در میان این گروه ها می شود و این امر نیازمند توجه ویژه به اصل عدالت توزیعی است (محمودی برام و همکاران، ۱۴۰۴).

در کنار تمامی این چالش ها و محدودیت های ساختاری عصر ارتباطات فرصت های بی نظیر و طلایی فراوانی را نیز برای بهبود و ارتقای چشمگیر کیفیت فرایند یاددهی در اختیار سیاست گذاران و متخصصان تعلیم و تربیت قرار داده است. دسترسی سریع و نامحدود به منابع اطلاعاتی متنوع در سراسر جهان امکان طراحی محیط های یادگیری غنی و بسیار تعاملی را فراهم آورده که در آن دانش آموزان از حالت گیرنده منفعل به تولیدکننده فعال مباحث تبدیل می شوند (عباسی کسانی و همکاران، ۲۰۲۰). استفاده راهبردی از پلتفرم های آموزش مجازی و ابزارهای هوشمند می تواند به شخصی سازی عمیق فرایند یادگیری کمک کرده و مسیرهای آموزشی را بر اساس تفاوت های فردی تنظیم و طراحی نماید (اسلامیان و همکاران، ۱۴۰۰). بحران های فراگیر جهانی نظیر همه گیری ویروس کرونا به وضوح نشان داد که چگونه می توان از شرایط بحرانی به عنوان کاتالیزوری برای تسریع روند دیجیتالی شدن استفاده کرد و زیرساخت های الکترونیکی را توسعه داد (بدرخانی، ۲۰۲۳). این شرایط استثنایی و بی سابقه اهمیت آمادگی کامل نظام آموزشی را برای مواجهه با رویدادهای پیش بینی نشده آشکار ساخت

و لزوم تدوین برنامه های درسی تاب آور را در دستور کار مدیران و برنامه ریزان عالی رتبه قرار داد (جعفری، ۲۰۲۴). بهره گیری هوشمندانه از تجربیات موفق سایر کشورها در زمینه توسعه آموزش های مجازی می تواند به عنوان الگویی ارزشمند برای بومی سازی این رویکردها در ایران مورد استفاده مستمر قرار گیرد (نیک محمدی و همکاران، ۲۰۲۴). توجه ویژه به رویکردهای مهارت محور و کاملا کاربردی در طراحی محتوای آموزشی یکی دیگر از الزامات اساسی و غیرقابل چشم پوشی برای آماده سازی دانش آموزان جهت ورود موفق به بازار کار پیچیده آینده محسوب می شود. برنامه های درسی در این دوران باید فراتر از انتقال صرف دانش نظری و محفوظات حرکت کرده و بر پرورش همه جانبه مهارت های نرم مانند تفکر انتقادی و حل مسئله تمرکز ویژه و ساختار یافته داشته باشند (تاجیک زاده و همکاران، ۱۴۰۳). در این راستای مهم ادغام آموزش های کاربردی فنی و حرفه ای با برنامه های متداول دوره ابتدایی می تواند پایه ای مستحکم برای استعدادیابی زود هنگام و هدایت تحصیلی صحیح و اصولی دانش آموزان ایجاد نماید (معارف وند و صادقی، ۱۴۰۴). همچنین ضرورت توجه جدی به مقوله سواد رسانه ای و اطلاعاتی در محتوای درسی بیش از پیش احساس می شود تا یادگیرندگان بتوانند اطلاعات معتبر را به درستی تشخیص داده و از آسیب های فضای سایبری در امان بمانند (عزیزی و همکاران، ۲۰۲۱). رویکردهای مبتنی بر آینده پژوهی در تدوین برنامه های درسی می توانند مسیرهای جایگزین و کارآمدی را برای مواجهه با عدم قطعیت های پیش رو پیشنهاد دهند و افق های تازه ای را بگشایند (یوسفی همدانی و همکاران، ۲۰۲۵). هدف نهایی و غایی تمامی این اصلاحات مستمر دستیابی به یک نظام پویا است که بتواند شهروندانی توانمند را برای نقش آفرینی سازنده تربیت کند و تحویل جامعه دهد (احمدپور و همکاران، ۱۴۰۴).

سوالات و اهداف پژوهش

اهداف پژوهش

هدف کلان و اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل جامع چالش ها و فرصت های پیش روی برنامه ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش ایران با تاکید بر مقتضیات عصر دیجیتال است. شناسایی دقیق موانع ساختاری و اجرایی که مانع از پیاده سازی موفق برنامه های نوین و مبتنی بر فناوری در سطح مدارس کشور می شوند از جمله اهداف کاربردی و مهم این مطالعه محسوب می گردد. همچنین این تحقیق به دنبال تبیین راهکارهای عملی و اثربخش برای بهره گیری حداکثری از پتانسیل های فناوری اطلاعات در جهت ارتقای کیفیت محتوای آموزشی و بهبود فرایندهای یاددهی و یادگیری است. تبیین جایگاه سواد رسانه ای و مهارت های فناورانه در ساختار برنامه های درسی و بررسی میزان انطباق آن ها با استانداردهای نوین آموزشی جهان نیز در زمره اهداف اختصاصی این پژوهش قرار دارد. بررسی میزان توجه برنامه ریزان کلان به مولفه های چندفرهنگی و تنوع اقلیمی در طراحی محتوای آموزشی متناسب با بسترهای دیجیتال از دیگر مقاصد مهم این مقاله مروری است. در نهایت ارائه یک چارچوب مفهومی روشن برای هدایت سیاست گذاری های آتی در حوزه تدوین و اجرای برنامه های درسی تاب آور و انعطاف پذیر به عنوان هدف نهایی این بررسی تحلیلی مد نظر قرار گرفته است.

سوالات پژوهش

سوال اول: مهمترین چالش های ساختاری و اجرایی نظام آموزش و پرورش ایران در زمینه تدوین و پیاده سازی برنامه های درسی متناسب با تحولات عصر دیجیتال کدامند؟
 سوال دوم: توسعه فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی چه فرصت های نوآورانه و بی بدیلی را برای ارتقای کیفیت و شخصی سازی برنامه های درسی در سطح مدارس کشور فراهم آورده است؟
 سوال سوم: میزان آمادگی و توانمندی حرفه ای معلمان و سیستم تربیت معلم ایران برای اجرای اثربخش برنامه های آموزشی مبتنی بر فناوری های نوین به چه میزان ارزیابی می شود؟

سوال چهارم: چگونه می توان با استفاده از ظرفیت های ابزارهای دیجیتال و آموزش های ترکیبی به چالش های ناشی از تنوع فرهنگی و نابرابری های آموزشی در مناطق مختلف کشور پاسخ داد؟

سوال پنجم: چه راهبردها و سیاست های کلانی برای گذار موفقیت آمیز از برنامه های درسی سنتی به الگوهای آموزشی مهارت محور و آینده نگر در نظام تعلیم و تربیت ایران پیشنهاد می شود؟

تعاریف و مبانی نظری

مفهوم برنامه ریزی درسی به عنوان یکی از ارکان بنیادی و غیرقابل جایگزین در علوم تربیتی شامل مجموعه ای پیوسته از فرایندهای تصمیم گیری است که به منظور طراحی و اجرای مسیرهای یادگیری اثربخش تدوین و سازماندهی می شود. این فرایند پیچیده دربرگیرنده تعیین دقیق اهداف آموزشی و انتخاب محتوای مناسب و سازماندهی تجارب یادگیری و در نهایت طراحی نظام های ارزشیابی مستمر برای سنجش میزان تحقق این اهداف است (شریفی، ۱۳۹۳). در رویکردهای سنتی و کلاسیک برنامه ریزی درسی عمدتاً به عنوان مجموعه ای از سرفصل های ثابت و از پیش تعیین شده تلقی می شد که انتقال یک سویه دانش از معلم به دانش آموز را در دستور کار خود قرار می داد. اما در دیدگاه های نوین و معاصر این مفهوم دچار دگردیسی عمیقی شده و به مثابه یک فرایند تعاملی و پویا در نظر گرفته می شود که بر اساس نیازهای متغیر یادگیرندگان و شرایط محیطی همواره در حال تغییر و بازتولید است (ثابت و همکاران، ۱۴۰۳). برنامه ریزی در عصر کنونی باید بتواند ابعاد مختلف رشد شناختی و عاطفی و اجتماعی فراگیران را به صورت همزمان پوشش داده و آن ها را برای مواجهه با چالش های زندگی واقعی مجهز سازد (احمدپور و همکاران، ۱۴۰۴). از این منظر توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان در طراحی این برنامه ها به منظور شکوفایی حداکثری استعداد های ذاتی آن ها به یک اصل مسلم و خدشه ناپذیر تبدیل شده است (اسلامیان و همکاران، ۱۴۰۰).

عصر دیجیتال و تحولات شتابان فناوری پارادایم های حاکم بر نظام های آموزشی را با تغییرات بنیادین و بی سابقه ای مواجه ساخته که این امر بازنگری در فلسفه و مبانی برنامه ریزی درسی را الزامی نموده است. ویژگی بارز و متمایزکننده این دوران حجم عظیم و در دسترس بودن اطلاعات است که باعث شده نقش سنتی مدرسه به عنوان تنها مرجع معتبر انتقال دانش به شدت تضعیف شده و به چالش کشیده شود (غیائی و محسن نژاد، ۱۴۰۴). در این محیط جدید یادگیری دیگر محدود به زمان و مکان خاصی نظیر دیوارهای کلاس درس نیست و فراگیران می توانند با استفاده از پلتفرم های متنوع در هر لحظه به شبکه های گسترده علمی متصل شوند (عباسی کسان و همکاران، ۲۰۲۰). این تغییرات نیازمند تدوین برنامه هایی است که به جای تمرکز بر انباشت اطلاعات بر پرورش مهارت های پردازش داده ها و تفکر انتقادی و توانایی حل مسائل پیچیده تمرکز داشته باشند (تاجیک زاده و همکاران، ۱۴۰۳). آموزش و پرورش در این عصر باید بتواند شهروندانی دیجیتال تربیت کند که نه تنها توانایی استفاده فنی از ابزارها را دارند بلکه از سواد رسانه ای کافی برای تحلیل انتقادی محتوای دیجیتال نیز برخوردار هستند (عزیزی و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین ادغام هوشمندانه و هدفمند فناوری در تار و پود برنامه های آموزشی به یکی از مهمترین دغدغه های نظری و عملی برنامه ریزان در سطح جهانی تبدیل شده است (یوسفی همدانی و همکاران، ۲۰۲۵).

تنوع فرهنگی و لزوم توجه به مبانی آموزش چندفرهنگی یکی دیگر از ابعاد نظری بسیار مهم در حوزه برنامه ریزی درسی است که در جوامع دارای تکثر قومی و زبانی مانند ایران از اهمیت مضاعفی برخوردار است. آموزش چندفرهنگی رویکردی تحول خواهانه است که تلاش می کند با بازنمایی عادلانه فرهنگ ها و ارزش های گروه های مختلف در محتوای آموزشی زمینه را برای ایجاد درک متقابل و همزیستی مسالمت آمیز فراهم آورد (قاسم پور مقدم، ۱۳۹۲). هنگامی که برنامه های آموزشی بدون توجه به این تکثر و به صورت کاملاً متمرکز و یکسان برای تمامی مناطق طراحی می شوند خطر بروز از خودبیگانگی

فرهنگی و افت تحصیلی در میان اقلیتها به شدت افزایش می یابد (خوراسگانی و مرادخواه، ۱۴۰۴). محتوای کتب درسی باید آینه ای تمام نما از واقعیت های اجتماعی و فرهنگی تمامی اقشار جامعه از جمله جوامع روستایی و عشایری باشد تا دانش آموزان بتوانند هویت خود را در آن بازیابی کنند (محمودی برام و همکاران، ۱۴۰۴). در این زمینه ابزارهای دیجیتال و امکانات فضای مجازی پتانسیل بالایی برای تولید محتوای بومی سازی شده و منعطف ارائه می دهند که می تواند به تمرکززدایی از نظام آموزشی کمک شایانی نماید (سراجی و همکاران، ۲۰۲۰). تحقق واقعی عدالت آموزشی در گرو طراحی برنامه هایی است که علاوه بر دسترسی برابر به امکانات به تنوع نیازها و پیشینه های فرهنگی یادگیرندگان نیز احترام کامل بگذارند و پاسخگو باشند (شهامی خرمی، ۱۴۰۴).

تبدیل مدارس سنتی به مدارس هوشمند و توسعه رویکردهای یادگیری الکترونیکی نیازمند پایه ریزی مبانی نظری جدیدی در حوزه تدریس و ارزشیابی است که نقش عوامل انسانی را در کنار فناوری بازتعریف می کند. در این الگوهای نوین معلم از جایگاه سنتی خود به عنوان انتقال دهنده صرف اطلاعات خارج شده و نقش تسهیل گر و راهنمای مسیر یادگیری را بر عهده می گیرد که این امر مستلزم برخورداری از شایستگی های حرفه ای جدیدی است (نیک محمدی و همکاران، ۲۰۲۴). یادگیری الکترونیکی چه به صورت کاملا مجازی و چه به صورت ترکیبی نیازمند طراحی آموزشی ویژه ای است که بتواند میزان تعامل فراگیر با محتوا و مدرس و سایر یادگیرندگان را به حداکثر ممکن برساند (بدرخانی، ۲۰۲۳). بحران های اخیر نشان داد که نظام های آموزش عالی و آموزش و پرورش برای تاب آوری در برابر شوک های بیرونی نیازمند نهادینه کردن فرهنگ استفاده از فناوری و ایجاد زیرساخت های منعطف در سطح کلان هستند (جعفری، ۲۰۲۴). توسعه مهارت های فنی و حرفه ای در سنین پایین نیز از دیگر رویکردهای نظری است که با هدف آماده سازی افراد برای محیط های کاری پویا مورد توجه ویژه قرار گرفته است (معارفوند و صادقی، ۱۴۰۴). در جدول زیر مقایسه ای جامع میان ویژگی های برنامه های درسی سنتی و برنامه های نوین مبتنی بر عصر دیجیتال ارائه شده است.

ویژگی های اصلی و شاخص ها	رویکرد برنامه ریزی درسی سنتی و متمرکز	رویکرد برنامه ریزی درسی در عصر دیجیتال
نقش و جایگاه دانش آموز	گیرنده منفعل اطلاعات و حفظ کننده مطالب	تولیدکننده فعال دانش و مشارکت کننده جدی
نقش و جایگاه معلم	متکلم وحده و تنها منبع معتبر انتقال دانش	تسهیل گر فرایند یادگیری و راهنمای مسیر
محیط و فضای یادگیری	محدود به کلاس فیزیکی و زمان از پیش تعیین شده	بدون مرز زمانی و مکانی با استفاده از شبکه ها
ساختار و محتوای برنامه	کاملا متمرکز و یکسان و بدون انعطاف پذیری	منعطف و شخصی سازی شده و کاملا پویا تر
شیوه سنجش و ارزشیابی	تراکمی و مبتنی بر آزمون های نهایی و کاغذی	تکوینی و مستمر و مبتنی بر عملکرد و پروژه
توجه به تنوع فرهنگی	رویکرد همسان ساز و نادیده گرفتن تفاوت های بومی	تاکید بر آموزش چندفرهنگی و احترام به تکثر

بررسی متون علمی و پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که موضوع چالش‌ها و فرصت‌های نظام آموزشی ایران در مواجهه با تحولات فناورانه همواره مورد توجه جدی و مستمر اندیشمندان بوده است. در بسیاری از این مطالعات بر ضعف بنیادین در زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مدارس به عنوان اصلی‌ترین مانع در مسیر توسعه یادگیری الکترونیکی و اجرای برنامه‌های درسی نوین تاکید فراوان شده است (عباسی کسانی و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین پژوهشگران با بررسی تجربه زیسته معلمان در دوران همه‌گیری کرونا به این نتیجه رسیده‌اند که فقدان آمادگی قبلی و عدم تسلط کافی بر ابزارهای تدریس مجازی موجب افت چشمگیر کیفیت آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی گردید (بدرخانی، ۲۰۲۳). بررسی وضعیت کتب درسی و محتوای آموزشی رسمی نیز نشان می‌دهد که برنامه‌های فعلی در بازنمایی نیازها و ویژگی‌های اقوام و اقشار مختلف مانند جوامع عشایری عملکرد بسیار ضعیف و غیرقابل قبولی داشته‌اند (محمودی برام و همکاران، ۱۴۰۴). در حوزه آموزش‌های مهارتی نیز مطالعات متعدد حاکی از آن است که رویکردهای نظری صرف بر مقاطع پایه غلبه دارد و موانع فرهنگی و بودجه‌ای سد راه اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اثربخش در دوره ابتدایی است (معارف‌وند و صادقی، ۱۴۰۴). از منظر کلان‌نگر و سیاست‌گذاری نیز تحقیقات نشان‌دهنده وجود شکافی عمیق میان اسناد بالادستی و واقعیت‌های میدانی در اجرای برنامه درسی ملی هستند که این مسئله نیازمند بازنگری ساختاری است (شهامی خرمی، ۱۴۰۴). بررسی تطبیقی جایگاه سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی ایران و کشورهای توسعه‌یافته به روشنی بیانگر این حقیقت است که ما هنوز در مراحل ابتدایی تبیین این مفاهیم قرار داریم و نیازمند سیاست‌گذاری‌های جدی‌تر هستیم (عزیزی و همکاران، ۲۰۲۱). رویکردهای آینده‌پژوهانه نیز در تحقیقات اخیر به شدت توصیه شده‌اند تا نظام آموزشی بتواند به جای واکنش‌های انفعالی سناریوهای جایگزین و فعالی برای مواجهه با عدم قطعیت‌های فناورانه و اجتماعی طراحی کند (یوسفی همدانی و همکاران، ۲۰۲۵). چالش‌های مربوط به نظام آموزش عالی و تربیت معلم نیز بخش مهمی از پیشینه پژوهش را به خود اختصاص داده است جایی که لزوم الگوبرداری بومی از تجارب جهانی برای توانمندسازی حرفه‌ای دانشجومعلمان به شدت احساس می‌شود (نیک‌محمودی و همکاران، ۲۰۲۴). این مطالعات در مجموع بر ضرورت تغییر رویکرد از مدیریت متمرکز به سمت نظام‌های مشارکتی و مبتنی بر فناوری در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پرورشی تاکید دارند (جعفری، ۲۰۲۴).

نام نویسنده یا نویسندگان	سال انتشار	موضوع اصلی و محور تمرکز مطالعه	مهمترین یافته‌ها و نتایج کلیدی استخراج شده
غیاثی و محسن‌نژاد	۱۴۰۴	چالش‌ها و فرصت‌های آموزش دیجیتال	تاکید بر ضرورت تغییر پارادایم از آموزش سنتی به محیط‌های تعاملی و غنی دیجیتال
شهامی خرمی	۱۴۰۴	موانع اجرای دقیق برنامه درسی ملی	تمرکزگرایی و ضعف امکانات به عنوان مهم‌ترین موانع تحقق اهداف برنامه درسی معرفی شدند
تاجیک‌زاده و همکاران	۱۴۰۳	اجرای برنامه‌های درسی مهارت‌محور	لزوم عبور از محفوظات و تمرکز ساختاریافته بر پرورش مهارت‌های کاربردی و نرم
ثابت و همکاران	۱۴۰۳	چالش‌های کلی برنامه‌ریزی درسی	عدم آمادگی معلمان و ضعف زیرساخت‌های فیزیکی مانع اصلی تحول نظام آموزشی است
سراجی و همکاران	۲۰۲۰	پروژه مدارس هوشمند در سطح کشور	کمبود منابع مالی و فقدان مدل‌های آموزشی مناسب مانع هوشمندسازی پایدار است
عزیزی و همکاران	۲۰۲۱	سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای	وجود شکاف عمیق میان ایران و کشورهای پیشرو در ادغام سواد رسانه‌ای در کتب درسی

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف یک تحقیق کاملاً کاربردی و از منظر روش گردآوری و تحلیل اطلاعات یک مطالعه مروری و توصیفی تحلیلی مبتنی بر روش‌های دقیق کتابخانه‌ای محسوب می‌شود. برای دستیابی به اهداف تعیین شده محقق با مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و بین‌المللی و بررسی عمیق مقالات علمی و پژوهشی مرتبط با حوزه برنامه‌ریزی درسی و تحولات فناوری اقدام به جمع‌آوری داده‌ها نموده است. پس از استخراج مفاهیم کلیدی از منابع معتبر اطلاعات به دست آمده با رویکردی انتقادی دسته‌بندی و ترکیب شده‌اند تا تصویری جامع و یکپارچه از وضعیت موجود و چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی نظام آموزشی ایران ترسیم گردد.

یافته‌ها

بخش اول: چالش‌های ساختاری و اجرایی در عصر دیجیتال

یافته‌های حاصل از بررسی متون علمی نشان می‌دهد که نظام آموزش و پرورش ایران در مسیر پیاده‌سازی برنامه‌های درسی متناسب با عصر دیجیتال با چالش‌های ساختاری و اجرایی عمیقی دست و پنجه نرم می‌کند که مانع از پیشرفت سریع می‌شود. یکی از بارزترین این موانع تمرکزگرایی شدید و غیرمنعطف در نظام تصمیم‌گیری و طراحی محتوای آموزشی است که امکان هرگونه نوآوری و تطبیق برنامه‌ها با شرایط متغیر محلی را از مجریان میدانی سلب کرده است (شهامی خرمی، ۱۴۰۴). این ساختار متمرکز باعث می‌شود که روند تصویب و به‌روزرسانی محتوای کتب درسی بسیار کند و زمان‌بر باشد به طوری که در هنگام رسیدن محتوا به دست دانش‌آموزان بخش عمده‌ای از اطلاعات فناورانه آن منسوخ شده است (ثابت و همکاران، ۱۴۰۳). علاوه بر این فقدان زیرساخت‌های فیزیکی مناسب و کمبود شدید تجهیزات سخت‌افزاری و شبکه‌های ارتباطی پرسرعت در بخش وسیعی از مدارس کشور به ویژه در مناطق حاشیه‌ای و روستایی اجرای الگوهای نوین را عملاً غیرممکن ساخته است (سراجی و همکاران، ۲۰۲۰). این محدودیت‌های بودجه‌ای و فیزیکی نه تنها مانع از استقرار کامل سیستم‌های هوشمند می‌شود بلکه شکاف دیجیتالی میان طبقات مختلف برخوردار و محروم جامعه را به شدت تعمیق و گسترش می‌بخشد (عباسی کسانی و همکاران، ۲۰۲۰).

در کنار مشکلات زیرساختی چالش‌های مرتبط با محتوای خود برنامه‌های درسی نیز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است زیرا محتوای فعلی پاسخگوی نیازهای مهارتی و شناختی نسل جدید نیست. برنامه‌های متداول در مدارس ایران همچنان وابستگی شدیدی به رویکردهای حافظه‌محور دارند و فرصت بسیار محدودی برای پرورش مهارت‌های حیاتی نظیر تفکر انتقادی و خلاقیت و حل مسئله در اختیار فراگیران قرار می‌دهند (تاجیک‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳). ضعف مفرد در ادغام مفاهیم مرتبط با سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی در بطن محتوای دروس رسمی باعث شده است که دانش‌آموزان در برابر سیل خروشان اطلاعات فضای مجازی کاملاً بی‌دفاع و آسیب‌پذیر باقی بمانند (عزیزی و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر مقاومت در برابر تغییر و نوآوری در بدنه سنتی نظام آموزشی که ناشی از تصلب بروکراسی اداری است روند تحول دیجیتال را با کندی و اصطکاک فراوان مواجه ساخته است (غیائی و محسن‌نژاد، ۱۴۰۴). در این میان فقدان یک سیستم ارزشیابی جامع که بتواند صلاحیت‌های چندگانه و مهارت‌های عملی دانش‌آموزان را به جای محفوظات نظری مورد سنجش قرار دهد نیز به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین برنامه‌ریزی فعلی ارزیابی می‌گردد (شریفی، ۱۳۹۳).

نوع چالش ساختاری و اجرایی	توضیحات تحلیلی و پیامدهای ناشی از آن در نظام آموزشی	راهکارهای پیشنهادی اولیه برای برون رفت از بحران
تمرکزگرایی اداری شدید	سلب اختیار از مدارس و معلمان برای بومی سازی محتوای آموزشی	تفویض اختیار کنترل شده و ایجاد مناطق آموزشی نیمه مستقل
ضعف زیرساخت ها	تعمیق شکاف دیجیتال و ناتوانی در اجرای آموزش های الکترونیکی	تخصیص بودجه ویژه و استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی
غلبه حافظه محور رویکرد	عدم پرورش مهارت های نرم و کاربردی مورد نیاز بازار کار آینده	بازنگری بنیادین در محتوا و جایگزینی روش های پروژه محور
فقدان سواد رسانه های	آسیب پذیری دانش آموزان در برابر اخبار جعلی و اطلاعات نادرست	ادغام اجباری واحدهای سواد رسانه ای در تمام مقاطع تحصیلی

بخش دوم: فرصت های نوآورانه و پتانسیل های یادگیری در عصر ارتباطات

با وجود تمامی موانع یاد شده ورود به عصر ارتباطات و اطلاعات فرصت های استثنایی و بی بدیلی را برای ایجاد تحول بنیادین در رویکردهای برنامه ریزی درسی فراهم آورده است که در صورت مدیریت صحیح می تواند بسیار راهگشا باشد. یکی از مهمترین این فرصت ها امکان شخصی سازی مسیر یادگیری و تطبیق محتوای آموزشی با سرعت و سبک یادگیری و تفاوت های فردی هر دانش آموز است که در سیستم های سنتی تقریباً غیرممکن به نظر می رسید (اسلامیان و همکاران، ۱۴۰۰). با بهره گیری از سامانه های مدیریت یادگیری هوشمند و هوش مصنوعی معلمان قادر خواهند بود تا نقاط ضعف و قوت شناختی فراگیران را با دقت بالایی شناسایی کرده و مداخلات آموزشی متناسب و بهنگامی را برای رفع مشکلات آن ها طراحی و اجرا نمایند (عباسی کسانی و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین گسترش دسترسی به منابع غنی چندرسانه ای و شبیه سازی های تعاملی امکان درک عمیق تر مفاهیم انتزاعی و پیچیده علمی را به ویژه در دروس علوم پایه و ریاضیات برای دانش آموزان به شکل قابل توجهی فراهم و تسهیل کرده است (سراجی و همکاران، ۲۰۲۰).

فضای مجازی و شبکه های اجتماعی علمی بستری بسیار مناسب و گسترده برای توسعه یادگیری های مشارکتی و شبکه ای فراهم آورده اند که یادگیرندگان را قادر می سازد با همتایان خود در سراسر جهان ارتباط سازنده برقرار کنند. این شبکه های تعاملی می توانند به شکستن انحصار کلاس های درس فیزیکی کمک کرده و دانش آموزان را در فرایند تولید محتوا و حل مشارکتی مسائل در مقیاس های بزرگتر و فرامنطقه ای درگیر سازند (غیائی و محسن نژاد، ۱۴۰۴). تجربه دوران همه گیری کرونا اگرچه با چالش های فراوانی همراه بود اما به وضوح ثابت کرد که در صورت وجود اراده مدیریتی می توان از ظرفیت های آموزش مجازی برای تضمین استمرار یادگیری در شرایط بحرانی استفاده بهینه نمود (بدرخانی، ۲۰۲۳). این تجربیات ارزشمند ضرورت تدوین الگوهای برنامه ریزی درسی تاب آور و منعطف را به اثبات رساند که می توانند در مواقع اضطراری با کمترین میزان افت کیفیت به سرعت از حالت حضوری به ترکیبی یا تماماً الکترونیکی تغییر وضعیت دهند (جعفری، ۲۰۲۴). استفاده هدفمند از رویکردهای آینده پژوهی در طراحی این برنامه ها نیز می تواند به عنوان یک فرصت طلایی نظام آموزشی را از حالت واکنشی و منفعلانه خارج کرده و به سمت آینده سازی و پیش بینی روندهای نوظهور هدایت نماید (یوسفی همدانی و همکاران، ۲۰۲۵).

فرصت‌های نوآورانه در دسترس	نحوه تاثیرگذاری بر کیفیت و اثربخشی فرایند یادگیری	ملزومات ضروری برای بهره‌برداری موفقیت آمیز
شخصی‌سازی آموزش	تطبیق سرعت یادگیری با تفاوت‌های فردی و استعداد‌های ذاتی	توسعه پلتفرم‌های مبتنی بر داده و هوش مصنوعی
دسترسی به منابع غنی	عبور از محدودیت‌های کتاب درسی و یادگیری عمیق تر مفاهیم	ارتقای سواد اطلاعاتی و فراهم کردن اینترنت پایدار
یادگیری شبکه‌ای و مشارکتی	توسعه مهارت‌های کار گروهی و ارتباطات در سطح بین‌المللی	آموزش فرهنگ استفاده از فضای مجازی به فراگیران
تاب‌آوری نظام آموزشی	استمرار فرایند یاددهی در شرایط بحرانی و غیرقابل پیش‌بینی	تدوین پروتکل‌های مدیریت بحران در نهاد آموزش

بخش سوم: الزامات تربیت معلم و توسعه حرفه‌ای مستمر

برنامه‌های درسی هر اندازه که بر روی کاغذ دقیق و مبتنی بر فناوری‌های نوین طراحی شده باشند بدون حضور معلمانی توانمند و آشنا با اقتضات عصر دیجیتال هرگز در مرحله اجرا به موفقیت و اثربخشی مطلوب دست نخواهند یافت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ضعف در صلاحیت‌های حرفه‌ای و فقدان مهارت‌های فناورانه در میان بخش قابل توجهی از معلمان یکی از بزرگترین موانع در مسیر پیاده‌سازی برنامه‌های آموزشی مدرن و اثربخش در مدارس است (ثابت و همکاران، ۱۴۰۳). دانشگاه فرهنگیان به عنوان متولی اصلی تربیت نیروی انسانی برای نظام آموزش و پرورش نیازمند بازنگری اساسی در سرفصل‌های درسی خود است تا بتواند دانشجو معلمان را با جدیدترین الگوهای تدریس الکترونیکی و مدیریت کلاس‌های مجازی آشنا سازد (نیک‌محمدی و همکاران، ۲۰۲۴). الگوبرداری بومی‌سازی شده از تجربیات موفق کشورهای توسعه‌یافته در زمینه آموزش ضمن خدمت معلمان می‌تواند به ارتقای سریع سطح دانش و مهارت‌های کاربردی کادر آموزشی فعلی کمک بسیار شایان توجهی نماید (عزیزی و همکاران، ۲۰۲۱). معلمان در عصر حاضر باید از انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به طراحان محیط‌های یادگیری و تسهیل‌گران فرایند کشف دانش ارتقا پیدا کنند که این امر مستلزم تغییر نگرش‌های بنیادین است (احمدپور و همکاران، ۱۴۰۴).

دوره همه‌گیری بیماری کرونا به شکل بی‌سابقه‌ای فشارهای مضاعفی را بر بدنه آموزشی تحمیل کرد و نشان داد که آموزش معلمان برای استفاده از ابزارهای آنلاین به هیچ وجه کافی و متناسب با نیازهای واقعی نبوده است. بسیاری از معلمان در این دوران مجبور شدند با آزمون و خطاهای مکرر و صرف هزینه‌های شخصی مهارت‌های اولیه لازم برای تدریس مجازی را فرا بگیرند که این مسئله به افت کیفیت یادگیری منجر گردید (بدرخانی، ۲۰۲۳). بنابراین ایجاد ساختارهای پایدار برای حمایت مداوم و پشتیبانی فنی و پداگوژیک از معلمان در زمان استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال باید به عنوان یک اولویت راهبردی در دستور کار مدیران ارشد و برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد (عباسی کسانی و همکاران، ۲۰۲۰). علاوه بر مهارت‌های فناورانه معلمان باید توانایی پیاده‌سازی رویکردهای مهارت‌محور و آموزش‌های فنی را به ویژه در مقاطع پایه و ابتدایی کسب کنند تا بتوانند دانش‌آموزان را برای ورود به بازار کار آماده سازند (معارف‌وند و صادقی، ۱۴۰۴). تغییر نظام ارزشیابی معلمان و اتصال سیستم ارتقای شغلی آن‌ها به میزان استفاده خلاقانه و موثر از فناوری‌های نوین در تدریس می‌تواند انگیزه لازم را برای توسعه حرفه‌ای مداوم در میان کادر آموزشی به شدت تقویت نماید (شریفی، ۱۳۹۳).

بخش چهارم: تنوع فرهنگی، عدالت آموزشی و رویکردهای مهارت‌محور

ایران کشوری با گستره جغرافیایی وسیع و تنوع قومی و زبانی بسیار بالا است که این ویژگی برجسته مستلزم اتخاذ رویکردی چندفرهنگی و کاملا منعطف در تدوین و اجرای برنامه های درسی در سطح ملی و منطقه ای می باشد. نادیده گرفتن این تنوع غنی و تحمیل یک برنامه درسی متمرکز و همسان ساز باعث می شود که بسیاری از دانش آموزان به ویژه در مناطق مرزی و عشایری نتوانند ارتباط معناداری با محتوای آموزشی برقرار کنند و دچار افت تحصیلی شوند (قاسم پور مقدم، ۱۳۹۲). محتوای کتب درسی باید بازتاب دهنده واقعیت های زندگی، ارزش ها و نیازهای خاص تمامی اقشار جامعه باشد تا حس تعلق خاطر و هویت پذیری در میان تمامی فراگیران با قدرت هرچه تمام تر شکل گرفته و تقویت شود (محمودی برام و همکاران، ۱۴۰۴). فناوری های نوین و پلتفرم های دیجیتال این فرصت استثنایی را فراهم آورده اند که محتوای آموزشی با هزینه کمتر و سرعت بسیار بالاتری بومی سازی شده و متناسب با فرهنگ و زبان مادری مناطق مختلف کشور بازطراحی و ارائه گردد (خوراسگانی و مرادخواه، ۱۴۰۴). تحقق عدالت آموزشی در عصر دیجیتال دیگر صرفا به معنای توزیع برابر امکانات فیزیکی نیست بلکه به معنای دسترسی عادلانه به محتوای باکیفیت و متناسب با زمینه های فرهنگی هر منطقه جغرافیایی است (شهامی خرمی، ۱۴۰۴).

از سوی دیگر ضرورت توجه ساختاریافته به آموزش های مهارت محور و کاربردی به عنوان یکی از مطالبات اصلی جامعه و بازار کار از نظام آموزش و پرورش همواره مطرح بوده و نیازمند پیگیری جدی است. برنامه های درسی باید به گونه ای طراحی شوند که مهارت های پایه فنی و حرفه ای از همان سال های ابتدایی در قالب پروژه های عملی و گروهی به دانش آموزان آموزش داده شود تا استعداد های آنها به درستی هدایت گردد (معارفوند و صادقی، ۱۴۰۴). در این مسیر ادغام آموزش مهارت های زندگی با مبانی اخلاقی و فطری می تواند به تربیت انسانی چندبعدی و متعادل که هم در جنبه های فردی و هم در مسئولیت های اجتماعی موفق است کمک شایانی نماید (احمدپور و همکاران، ۱۴۰۴). شخصی سازی مسیر یادگیری در دروسی مانند دین و زندگی نیز می تواند با توجه به تفاوت های فردی و سطح بلوغ شناختی دانش آموزان اثربخشی این آموزش ها را درونی تر و ماندگارتر سازد (اسلامیان و همکاران، ۱۴۰۰). برنامه ریزان باید با اتخاذ نگاهی جامع و کل نگر تعادلی منطقی میان آموزش های نظری و مهارت های عملی برقرار کنند تا خروجی نظام آموزشی افرادی کارآفرین، خلاق و تاب آور در برابر تغییرات سریع و پیچیده دنیای مدرن باشد (تاجیک زاده و همکاران، ۱۴۰۳).

ابعاد عدالت و تنوع فرهنگی	چالش های فعلی نظام آموزشی در این حوزه	راهکارهای مبتنی بر امکانات عصر دیجیتال
بازنمایی اقوام و عشایر	غیبت معنادار فرهنگ و سبک زندگی بومی در کتب درسی	تولید محتوای چندرسانه ای تکمیلی و بومی سازی شده
زبان و ارتباطات محلی	دشواری درک مفاهیم متمرکز برای مناطق دوزبانه کشور	استفاده از دستیارهای هوشمند برای ترجمه و تسهیل درک
آموزش های مهارت محور	کمبود امکانات کارگاهی در مدارس مناطق کمتر برخوردار	استفاده گسترده از شبیه سازهای نرم افزاری و واقعیت مجازی
دسترسی به فرصت ها	تمرکز معلمان مجرب و امکانات در کلان شهرها و پایتخت	برگزاری کلاس های برخط مشترک و عدالت در توزیع محتوا

بحث و نتیجه گیری

نظام آموزش و پرورش در مواجهه با تحولات شگرف و سریع فناوری های ارتباطی در نقطه ای حساس و تاریخی قرار گرفته است که اتخاذ تصمیمات استراتژیک در آن می تواند مسیر آینده توسعه سرمایه انسانی کشور را به طور کامل دگرگون سازد. بررسی های انجام شده در این پژوهش به وضوح نشان داد که ساختار فعلی برنامه ریزی درسی در ایران با وجود تمامی تلاش های صورت گرفته همچنان از مشکلاتی بنیادین نظیر تمرکزگرایی شدید، تصلب محتوایی و غلبه رویکردهای حافظه محور رنج می برد. این چالش های ساختاری باعث شده است که نظام آموزشی نتواند آن گونه که شایسته است با نیازهای متغیر و پویای جامعه مدرن همگام شود و خروجی های آن غالباً فاقد مهارت های نرم و کاربردی مورد نیاز برای ورود به بازارهای کار پیچیده امروزی هستند. از سوی دیگر فقدان زیرساخت های فیزیکی و فناوریانه مناسب در بسیاری از مناطق کشور به عنوان یک مانع بازدارنده جدی عمل کرده و باعث تعمیق نابرابری های آموزشی و گسترش شکاف دیجیتال میان طبقات مختلف جامعه شده است که این امر زنگ خطری جدی برای متولیان امر تلقی می شود.

با این وجود عصر دیجیتال فرصت های بی نظیر و طلایی فراوانی را نیز برای جبران عقب ماندگی ها و ایجاد تحولی عظیم در کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری در اختیار سیاست گذاران و متخصصان این حوزه قرار داده است. قابلیت های منحصر به فرد فناوری اطلاعات در شخصی سازی مسیرهای یادگیری و ارائه محتوای غنی چندرسانه ای می تواند به طور چشمگیری انگیزه و درگیری تحصیلی دانش آموزان را افزایش داده و آن ها را از دریافت کنندگان منفعل به تولیدکنندگان فعال دانش تبدیل نماید. تجربه ارزشمند اما دشوار دوران همه گیری به مدیران ارشد نشان داد که ایجاد تاب آوری در نظام آموزشی مستلزم سرمایه گذاری کلان در بخش زیرساخت های الکترونیکی و تدوین الگوهای یادگیری ترکیبی است که بتوانند در مواقع بحرانی انسجام برنامه های درسی را حفظ کنند. تحقق این فرصت ها نیازمند آن است که بدنه مدیریتی آموزش و پرورش با عبور از نگاه های سنتی و محافظه کارانه رویکردهای نوآورانه و مبتنی بر آینده پژوهی را در فرایند تدوین و اجرای محتوای درسی به کار گیرد تا بتواند با عدم قطعیت های پیش رو به صورت فعالانه روبرو شود.

نیروی انسانی و در راس آن معلمان به عنوان حلقه واسط و مجریان اصلی برنامه های نوین آموزشی حیاتی ترین نقش را در موفقیت یا شکست این اصلاحات ایفا می کنند و بدون همراهی آن ها هیچ تحولی امکان پذیر نخواهد بود. نظام تربیت معلم و برنامه های توسعه حرفه ای ضمن خدمت باید به صورت بنیادین بازنگری شوند تا بتوانند معلمانی توانمند، مسلط بر ابزارهای دیجیتال و دارای شایستگی های پداگوژیک نوین تربیت کنند که قادر به راهبری کلاس های تعاملی باشند. علاوه بر این توجه به تنوع فرهنگی و اقلیمی کشور و پرهیز از تحمیل برنامه های یکسان ساز یکی از الزامات قطعی برای تحقق عدالت آموزشی است که می تواند از طریق بومی سازی محتوا به کمک ابزارهای دیجیتال محقق گردد. در نهایت باید تاکید کرد که موفقیت در این مسیر طولانی و پرفراز و نشیب نیازمند عزم ملی، تخصیص منابع مالی کافی و مشارکت فعال تمامی ذینفعان از جمله معلمان، دانش آموزان و خانواده ها در فرایند تصمیم گیری های آموزشی است. تنها در این صورت است که می توان امید داشت نظام آموزش و پرورش به نهادی پویا، کارآمد و پاسخگو تبدیل شود که قادر است شهروندانی خلاق، اخلاق مدار و توانمند برای ساختن آینده ای روشن تربیت کرده و تحویل جامعه دهد.

منابع

۱. احمدپور، روزینا، ملکی، حسن، آرمند، محمد و عصاره، علیرضا. (۱۴۰۴). طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه درسی فطرت محور برای دوره ابتدایی. *نواوری های آموزشی*، (۲۲۸۵۴۳۵).
۲. اسلامیان، زهرا، سعیدی رضوانی، محمود، کرمی، مرتضی و ایونس، دیوید. (۱۴۰۰). اجرای برنامه درسی مبتنی بر تفاوت های فردی درس «دین و زندگی» در نظام آموزش و پرورش ایران؛ چالش ها و راهکارها. *فصلنامه علمی تربیت اسلامی*، ۱۶(۳۸)، ۳۰-۷.
۳. تاجیک زاده، لیلدا، تاجیک زاده، سمیه و اسد جعفری، نفیسه. (۱۴۰۳). *چالش ها و فرصت های اجرای برنامه درسی مهارت محور در مدارس ایران*. پنجمین همایش بین المللی علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی، همدان.
۴. ثابت، سینا، رضایی، محمد، کرامت لو، فاطمه و قاسمی فر، زهرا. (۱۴۰۳). *چالش های برنامه ریزی درسی در نظام آموزشی ایران*. اولین همایش بین المللی معلمان برتر، مسجد سلیمان.
۵. خوراسگانی، مریم سادات و مرادخواه، سیروس. (۱۴۰۴). *چالش ها و قابلیت های تنوع فرهنگی در مدارس چند فرهنگی ایران: روایتی از تجربه مدیران*. مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، ۱۸(۱)، ۱۲۳-۱۴۴.
۶. شریفی، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت برنامه ریزی درسی در سیستم آموزش و پرورش ابتدایی ایران. *فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت*، ۳۰(۳)، ۹۲-۷۳.
۷. شهامی خرمی، منصوره. (۱۴۰۴). *بررسی موانع و چالش های اجرای برنامه درسی ملی در مدارس ایران*. دومین همایش بین المللی معلمان برتر، مسجد سلیمان.
۸. غیاثی، شهین و محسن نژاد، فرشاد. (۱۴۰۴). *چالش ها و فرصت های نظام آموزش و پرورش در عصر دیجیتال*. سومین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی، تهران.
۹. قاسم پور مقدم، حسین. (۱۳۹۲). *چالش های آموزش و پرورش چند فرهنگی در نظام برنامه ریزی درسی ایران*. همایش ملی آموزش و پرورش چند فرهنگی، ارومیه.
۱۰. محمودی برام، احسان، ملکی، سعید و سرپاس، امیر محمد. (۱۴۰۴). بررسی جایگاه جامعه عشایری ایران در نظام برنامه ریزی کتاب های درسی آموزشی کشور. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۷(۴)، ۱۰۲-۹۴.
۱۱. معارفوند، زهرا و صادقی، نفیسه. (۱۴۰۴). شناسایی موانع اجرای آموزش های فنی و مهارتی در دوره ابتدایی و ارائه راهکارهایی برای آن. *فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت*، ۵(۲)، ۱۴۳-۱۲۷.

۱. Abbasi Kasani, H., Shams Mourkani, G., Seraji, F., Rezaeizadeh, M., & Abedi, H. (۲۰۲۰). E-learning challenges in Iran: A research synthesis. *International Review of Research in Open and Distributed Learning*, 21(۴), ۹۶-۱۱۶.
۲. Azizi, M., Fathi, V. K., Poushane, K., & Granmayehpour, A. (۲۰۲۱). A comparative study of media literacy curriculum policy in the education system of developed countries and Iran.
۳. Badrkhani, P. (۲۰۲۳). How a catastrophic situation turns into an exceptional opportunity: Covid-۱۹ pandemic in Iran and challenges of online education for new English language educators. *Interactive Learning Environments*, 31(۷), ۴۲۰۰-۴۲۱۸.
۴. Jafari, E. (۲۰۲۴). The challenges and strategies in Iranian higher education: the post-COVID age. *Educational Research for Policy and Practice*, 23(۱), ۱۳۵-۱۵۶.

۵. Nikmohammadi, F., Naeeni, M. M., & Jalalvandi, M. (۲۰۲۴). Providing an optimal model for the elementary teacher education system at Farhangian University in Iran, based on the experience of Japan, Canada, and Australia. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(۴), ۵۱-۶۱.
۶. Seraji, F., Kasani, H. A., Abedi, H., & Sajedifard, M. (۲۰۲۰). Smart school project in Iran: Potentials and barriers. *Education and Information Technologies*, 25(۶), ۴۲۱۱-۴۲۳۰.
۷. Yousefi Hamedani, E., Taheri Demneh, M., Nasr-Isfahani, A. R., & Abedini, Y. (۲۰۲۵). Educational futures: Alternative scenarios for the primary school curriculum. *Policy Futures in Education*, 23(۱), ۱۰-۳۰.